

اربعین برائت

گفتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین
غلامرضا قاسمیان پیرامون
نقش ولایت و برائت در جایگاه تمدنی اربعین

صحیفه ۵۸
تمدن اسلامی ۱۰، تابستان ۱۴۰۳

اربعین برائت

گفتاری از حجت‌الاسلام و المسلمین قاسمیان پیرامون نقش ولایت و برائت در جایگاه تمدنی اربعین

تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
طراح جلد و صفحه‌آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.

جامعه ایمانی مشعر
قم ـ صندوق پستی: ۱۵۱۳ - ۳۷۱۹۵
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org
رایانامه: info@۱۵۴۲.org

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

حج الهی، آوردگاهی است که از ابتدای خلقت حضرت آدم علیه‌السلام تا به امروز، با محوریت و همراهی ولایت شکل‌گرفته و دنبال می‌شود، لذا اگر امری به نام زیارت در فرهنگ اسلام شکل‌گرفته است، نباید از کانال ولایت خارج باشد و نسبت به این مهم، به‌مراتب در منابع و متون اسلامی تأکید شده است.

مع‌الأسف امروزه زیارت حج از مهم‌ترین رکن خود یعنی ولایت تهی گشته و تبدیل به زیارتِ صرفی شده است که با احرام شروع گشته و با طواف نساء و رمی جمرات پایان می‌یابد؛ درحالی‌که تاریخ اسلام، مملو از تعابیری است که عنصر ولایت را به‌عنوان مهم‌ترین شخص حقیقی و حقوقی اسلام در حج عنوان کرده است. رخداد حج هم ازاین‌جهت بسیار اهمیت دارد که تنها آوردگاهی است که تمامی اقشار مسلمین جهان را گرد هم می‌آورد تا بتوانند با تشکیل اجتماعی مؤمنانه با محوریت ولایت، هم‌افزایی کرده و با همدلی و وحدت خود، ندای اسلام را به گوش جهانیان برسانند.

بنابراین، با وجود خالی‌شدن آن از این نعمت بی‌بدیل، خداوند متعال مسیر دیگری را پیشِ روی مسلمانان نهاده است تا بتوانند با تمرین یک زندگی تمدنی، اجتماع مؤمنین بر محوریت ولایت را تشکیل دهند و به‌سوی هدفی واحد و متعالی گام بردارند. اینجاست که اهمیت و ضرورت پرداختن به اربعین دوچندان می‌شود و می‌بایست به‌گونه‌ای بدان پرداخت که ندای حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام به گوش تمام عالَم برسد و فطرت‌های خفتهٔ مردم را بیدار کند و به‌سوی خود بکشاند. این امر، جز با نگاه تمدنی و اجتماعی به مقولهٔ اربعین امکان‌پذیر نبوده و نباید اجازه داد به دست نااهلان بیفتد.

نوشتار حاضر به دنبال همین مهم، به موضوع اربعین پرداخته است که گردآوری شده از سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین قاسمیان پیرامون اربعین می‌باشد. ایشان در بیانات خود، زیارت اربعین را مسیر میان‌بری به‌سوی تمدن اسلامی و ظهور دانسته و ندای آن را ندایی می‌دانند که انسان‌های آزاده را به‌مرور دور هم جمع می‌کند. اینجاست که جنس اربعین را از جنس همان ندای ابلاغ حج می‌بینیم.



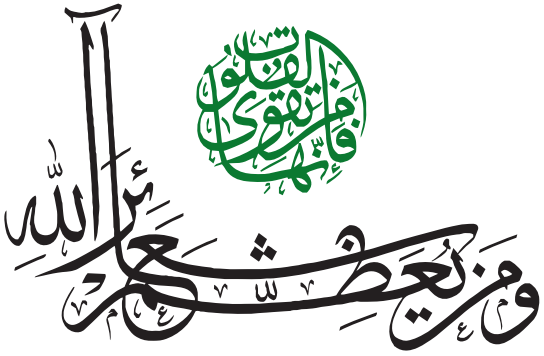

حفظ شعائر

دررابطه‌با مسأله کلی زیارت امام حسین علیه‌السلام و اربعین‌گیری، باید بدانید که هیچ امامی غیر از امام حسین علیه‌السلام اربعین ندارد، اساساً در مورد مراسمات سوم و هفتم و چهلم و سالی که برای اموات خودمان نیز می‌گیریم، دلیل خاص وارد نشده و مستند شرعی وجود ندارد و این‌ها کاملاً یک موارد ذوقی و استحسانی می‌باشد و در این میان فقط در مورد امام حسین علیه‌السلام است که یک سری آداب خاص، از جمله برگزاری اربعین و تکرار هر ساله آن، دستور خاص وارد شده و اگر کسی بخواهد این را برای غیر امام حسین علیه‌السلام توسعه بدهد و سایر مراسمات و وفیات را عاشورایی برگزار کند و یا اگر کسی بخواهد اربعین راتکثیر نماید و برای غیر امام حسین علیه‌السلام هم اربعین بگیرد، کار صحیح و عالمانه‌ای انجام نداده است و چه بسا این کارش توهین به شعائر نیز به حساب آید؛ زیرا با این کار از اهمیت و ابهت آن کاسته است؛ به تعبیر دیگر، اگر کسی تعداد شعائر را افزایش بدهد، باید آن را حفظ کند و الّا به شعائر

لطمه زده است؛ این‌که شما بیایید و محرم و صفر را تبدیل به شعائر بکنید و اعلام کنید که کل این دو ماه، ایام عزاست و جوری جا بیاندازید که دیگر کسی جرئت نکند در این ایام ازدواج کند، به شعائر توهین کرده‌اید؛ زیرا هیچ منبع و هیچ عالمی اینطور نگفته است. آیت‌الله جوادی آملی یک وقتی دررابطه‌با لزوم حضور علما در صحنه، اخطار می‌دادند و می‌فرمودند: اگر علما منبر نروند و حق را تبیین نکنند، ایران شبیه پاکستان می‌شود و کار به دست مداح‌ها می‌افتد؛ این خیلی مسئله مهمی است که اگر علما میدان را خالی کنند و مباحث دینی را بیان نکنند، مداح‌ها این کار را به عهده می‌گیرند و چون علمش را ندارند، فکر می‌کنند هر چه بیشتر سینه بزنند و مراسم برگزار کنند و عزاداری نمایند، بهتر است.



زیارت با خوف

اربعین مثل حج یک رزمایش است؛ آنقدر در روایات بین اربعین و بلکه مطلق زیارت امام حسین علیه‌السلام با حج مقایسه شده است که برای بعضی‌ها این سوال پیش آمده است که آیا کربلا رفتن کفایت از حج می‌کند یا خیر؟ از بعضی از روایات حتی این‌گونه برداشت می‌شود که در مواردی، اهمیت زیارت امام حسین علیه‌السلام از حج بیشتر است؛ مثلا در شرایط استطاعت حج، بحث امنیت راه مطرح است که این شرط در موارد استطاعت برای زیارت

امام حسین علیه‌السلام نیست و به مرّات حضرات معصومین دستور دادند که حتی با وجود ترس از ضرر جانی و مالی به زیارت امام حسین علیه‌السلام رفته شود و این یعنی، امنیت راه جزء موارد استطاعت حج است ولی جزء موارد زیارت امام حسین علیه‌السلام نیست و اصلا یک بابی است در کامل‌الزیارات تحت عنوان «**ثواب من زار الحسین علیه‌السلام و علیه خوف**»؛ ثواب کسی که با ترس به زیارت امام حسین علیه‌السلام می‌رود؛ یکی از روایات وارده در این باب این است: «**عن زرارة، قال: قلت لأبي جعفر علیه‌السلام: ما تقول فيمن زار أباك على خوف، قال: يؤمنه الله يوم الفزع الأكبر و تلقّاه الملائكة بالبشارة، و يقال له: لاتخف و لاتحزن هذا يومك الذي فيه فوزك**»؛[1] از امام باقر علیه‌السلام پرسیدم چه می‌گویید در مورد کسی‌که پدر شما را با ترس زیارت کند؟ حضرت فرمودند چنین کسی را خداوند در روز قیام ایمنی می‌بخشد و ملائکه او را ملاقات کرده، درحالی‌که به او بشارت می‌دهند و می‌گویند: نترس و محزون نباش، روزی است که به رستگاری می‌رسی.

در روایتی دیگر ابن‌بکیر از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند؛ «**قلت له: انّي انزل الأرجان قلبي ينازعني الى قبر أبيك، فاذا خرجت فقلبي و جل مشفق حتى ارجع خوفا من السطان و السعاة و اصحاب المسالح، فقال: يا ابن بكير أما تحب أن يراك الله فينا خائفا؟ أما تعلم أنّه**

---

۱. کامل‌الزیارات، ج۱، ص۱۲۵.

من خاف لخوفنا اظلّه الله فی ظل عرشه، وکان محدثه الحسین علیه السلام تحت العرش و آمنه الله من افزاع یوم القیامة، یفزع الناس ولایفزع، فإن فزع وقّرته الملائکة و سکنت قلبه بالبشارة»؛[1] محضر مبارك امام صادق علیه‌السلام عرضه داشتم: من به شهر ارجان وارد شده و در آنجا نازل شدم ولی قلب و دلم آرزوی زیارت قبر مطهر پدر بزرگوارتان را داشت، لذا از شهر به قصد زیارت آن جناب خارج شدم اما دلم ترسان و لرزان بود و از خوف و ترس سلطان و خبرچین‌ها و عمّال وی و مرزبانان تا زمان مراجعت در وحشت و دهشت بودم، حضرت فرمودند: ای پسر بکیر آیا دوست نداری که خداوند تو را از کسانی که در راه ما ترسان و خائف می‌باشند محسوب فرماید؟ آیا می‌دانی کسی که به خاطر خوف ما خائف باشد حق تعالی او را در سایه عرش مکان دهد و هم‌صحبتش حضرت امام حسین علیه‌السلام در زیر عرش می‌باشد و حق تعالی او را از فزع‌های روز قیامت در امان می‌دارد، مردم به فزع و جزع آمده ولی او فزع نمی‌کند، پس اگر فزع کند فرشتگان آرامش کرده و به واسطه این بشارت، قلبش را ساکت و ساکن می‌نمایند.

از این عبارات این‌گونه استنباط می‌شود که در حالت خوف هم باید (کربلا) رفت.

---

۱. وسائل‌الشیعه، ج۱۴، ص۴۵۷.

رزمایش مقدماتی

در مواردی تصریح شده به این که فضیلت زیارت امام حسین علیه‌السلام از فضیلت حج بیشتر است: «**عن يونس عن الرضا علیه‌السلام، قال: من زار قبر الحسين علیه‌السلام فقد حج و اعتمر، قال: قلت: يطرح عنه حجة الاسلام، قال: لا، هي حجة الضعيف حتى يقوي و يحجّ إلى بيت‌الله الحرام، أما علمت أن البيت يطوف به كل يوم سبعون الف ملك حتى إذا أدركهم الليل صعدوا ونزل غيرهم فطافوا بالبيت حتى الصباح، وإنّ الحسين علیه‌السلام لأكرم على الله من البيت وأنّه في وقت كل صلاة لينزل عليه سبعون الف ملك شعث غبر لاتقع عليهم النوبة إلى يوم القيامة**»[1]؛ امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید کسی‌که قبر ابی‌عبدالله علیه‌السلام را زیارت کند، حج و عمره به جا آورده است. راوی سؤال می‌کند که آیا حج از او برداشته می‌شود؟ (یعنی زیارت امام حسین علیه‌السلام کفایت می‌کند؟)، حضرت می‌فرماید: نه! این یک حج ضعیفی است تا اینکه قوی شود؛ یعنی انگار اربعین یک حج تمرینی است تا انسان را برای حج و مراسم اصلی مهیا کند؛ در مسابقات رسمی دنیا مثل المپیک هم این‌گونه است که باید برای یک

۱. کامل الزیارات، ج۱، ص۲۹۸.

مسابقه‌ای که نهایتاً ده دقیقه طول می‌کشد، سال‌ها تمرین کرد و زحمت کشید؛ حج هم این‌گونه است؛ به این صورت که اصل کار در حج انجام می‌شود، ولی حتماً باید رزمایشش در زیارت امام حسین علیه‌السلام انجام شود.

با این تفصیل، جای این سؤال پیش می‌آید که چگونه اربعین حج ضعیف است، درحالی‌که افضل از حج است و امام حسین علیه‌السلام بالاتر از کعبه می‌باشد؟ زیرا حج یک جریان مهمی است که با خود امام و ظهور حضرت در ارتباط است و بی‌مقدمه نمی‌شود وارد آن شد، لذا باید برای آمادگی برای آن جریان، مسئله‌ای همچون اربعین اتفاق بیفتد تا مردم برای آن آماده شوند.



ندای واحد

پس از ساخته شدن کعبه، به ابراهیم ندا رسید: «وَ اَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجِ»[1]؛ حضرت ابراهیم مأمور ابلاغ حج شد و وقتی که پرسید من ابلاغ کنم چه کسی می‌شنود؟ ندا رسید: «علیک الاذان و علیّ البلاغ»؛ اعلام بر عهده تو و بلاغش بر عهده من باشد. بلاغی که از طریق ندای فطری و درونی هر انسان صورت می‌گیرد و اساساً به جا آوردن حج یک امر فطری است و هر کسی که فطرتاً به آن لبیک گفته باشد برای انجامش خود را می‌رساند و آن‌هایی که لبیک نگفتند، نمی‌آیند، حتی در روایت آمده کسانی که چندبار لبیک گفته‌اند چندبار به حج مشرف می‌شوند، همان‌طوری که استنصار و ندای هل من ناصر ینصرنی امام حسین علیه‌السلام نیز به‌عنوان یک ندای فطری در کل عالم پیچیده است و کسی به زیارت آن حضرت می‌رود که فطرتاً به ایشان لبیک گفته باشد؛ این ندا ندایی است که انسان‌های آزاده را به‌مرور دور هم جمع می‌کند و از جنس همان ندای ابلاغ حج است، لذا ویژگی‌هایی که برای حج هست برای زیارت امام حسین علیه‌السلام و به خصوص زیارت اربعین می‌باشد.

۱. حج، ۲۷.

عبادت اجتماعی

بین حج اصغر و حج اکبر (حج عمره و حج واجب) چه تفاوتی وجود دارد؟ در عمره هر کسی اعمالش را به طور فردی انجام می‌دهد، بر خلاف حج واجب که یک حرکت کاملا اجتماعی است؛ حج اکبر(حج واجب) را همه با هم باید انجام بدهند؛ دقیقاً تفاوتی که بین

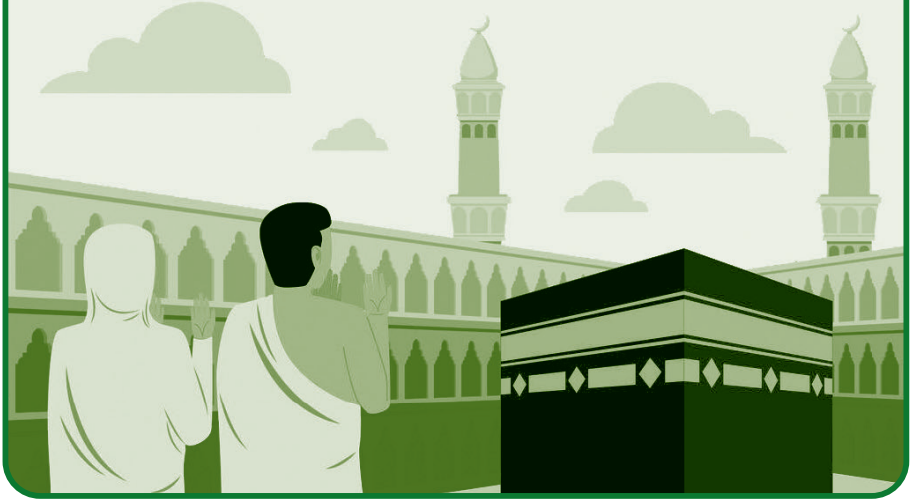

زیارت امام حسین علیه‌السلام با زیارت اربعین وجود دارد؛ در حقیقت زیارت امام حسین علیه‌السلام مثل یک عبادت فردی است و مستحب مؤکد است و بسیار ثواب دارد، اما زمانی معادل حج اکبر می‌شود که در اربعین به صورت یک عبادت دسته‌جمعی دربیاید.

وقتی که دین و مناسک دینی یک حالت دسته‌جمعی و اجتماعی پیدا می‌کند، با بحث امامت گره می‌خورد؛ یعنی وقتی همه با هم یک عبادت و یا منسکی را انجام می‌دهند، قطعاً اشاره‌ای است به این‌که امام حی در بین آن‌ها حاضر است؛ مثلا وقتی همه با هم نماز جماعت می‌خوانند، حاکی از این است که یک امام حیّ وجود دارد، خود حقیقت مسأله حج (نه این حجی که امروزه کاملاً از هویت خودش تهی شده است) مُشیر به حضور امام است و اساساً حج یعنی به سمت امام رفتن، لذا وقتی خداوند می‌خواهد سخن از حج در میان بیاورد، می‌فرماید: حاجیان به سمت تو می‌آیند: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجالاً...»[1]؛ یعنی بیایند پیش تو، نه بیایند پیش خانه، زیارت امام حسین علیه‌السلام نیز به دو صورت فردی و اجتماعی قابل تصور است، اما آن زیارتی که زمینه‌ساز ظهور است و مقدمه‌ای برای حج واقعی به شمار می‌رود، زیارت اجتماعی و زیارت اربعین است.

---

۱. حج، ۲۷.

مناسبت اربعین

در مورد مناسبت روز اربعین، احتمالات متعددی را بیان کردند؛ بعضی‌ها گفتند در این روز سرهای شهدا به کربلا بازگردانده و به ابدان مطهرشان ملحق شده است، بعضی‌ها می‌گویند چون در این روز جابر و عطیه برای زیارت به کربلا آمدند، همین رسم در بین شیعیان بر جای مانده، بعضی دیگر معتقدند، در این روز اسرای اهل‌بیت از شام به کربلا بازگشتند؛ البته بعضی از این احتمالات مثل احتمال اول سند ندارد و بعضی دیگر مثل احتمال سوم بعید است و اما احتمال دوم، می‌تواند صحیح باشد، زیرا حضور جابر و عطیه روز اربعین در کربلا به جهت عظمت شخصیت‌شان واقعه مهمی است؛ یکی از ویژگی‌های مهم جابر، علاوه بر این که از اصحاب رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله به شمار می‌رود، این است که جزء اصحاب سرّ حضرت زهرا علیهاالسلام می‌باشد، زیرا از بین صحابه، فقط جابر و سلمان به درجه‌ای رسیده بودند که اجازه داشتند خدمت حضرت زهرا علیهاالسلام برسند که این خود کاشف از علو درجه جابر می‌باشد، علاوه بر این‌که او بارها به مرکز حکومت مخالفین

رفته و حق امیرالمؤمنین علیه‌السلام را مطالبه نموده و در این راه به مرّات کتک خورده، عطیه نیز از بزرگان شیعه محسوب شده و کسی است که به جرم دفاع از امیرالمؤمنین علیه‌السلام هزار ضربه شلاق خورده است.

مضافاً بر این که جناب جابر صاحب سرّ بوده و روایاتی را در باب زیارت اربعین نقل می‌کند که بعدها بر زبان معصوم جاری می‌شود (البته بعید است که امام از او تبعیت کرده باشد)، همچنین طرح مسأله زیارت اربعین نیز اگرچه از زمان امام صادق علیه‌السلام شروع شده، ولی زیارت اربعین منسوب به جابر است[1] که این مطلب دلیلی می‌شود بر این که جابر بر اسراری آگاه بوده که از ائمه معصومین علیهم‌السلام شنیده بوده است و شاهد این مطلب عباراتی است که در زیارت اربعین بر زبان وی جاری شده که نظیر همان عباراتی است که بعدها در مورد سیدالشهدا علیه‌السلام از امام صادق علیه‌السلام و ائمه بعدی صادر گردیده است.

۱. چگونگی زیارت امام حسین علیه‌السلام در روز اربعین به دو صورت رسیده است؛ اول زیارتنامه ای که از طریق صفوان از امام صادق نقل شده و دوم زیارتنامه ای که از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است.

شریک شهدا

عطیه عوفی می‌گوید من با جابر به زیارت قبر ابی‌عبد الله علیه‌السلام رفتیم، وقتی وارد کربلا شدیم جابر تقریباً نابینا بود به کرانه فرات نزدیک شد و غسل کرد و پیراهن و ردایی به تن کرد و کیسه عطری را گشود و آن را بر بدنش پاشید و هیچ گامی برنداشت جز آن که ذکر خدای متعال گفت تا این که به قبر نزدیک شد و [به من]گفت: دست مرا بر قبر بگذار، چون دست او را بر قبر گذاشتم بیهوش بر روی قبر افتاد، کمی آب بر او پاشیدم و هنگامی که به هوش آمد سه بار گفت: ای حسین !سپس گفت آیا دوست پاسخ دوست را نمی‌دهد؟! سپس خودش پاسخ خودش را داد و گفت چطور می‌توانی جواب بدهی درحالی‌که رگ‌هایت پاره شده و بین بدنت و سرت فاصله افتاده است؟! گواهی می‌دهم که تو فرزند خاتم پیامبران و فرزند سَرور مؤمنان و فرزند هم پیمان تقوا و چکیده هدایت و پنجمین فرد از اصحاب کسایی و فرزند سالار نقیبان و فرزند فاطمه سَرور زنانی و چگونه چنین نباشی در حالی که از دست سَرور پیامبران غذا خورده‌ای و در دامان تقواپیشگان پرورش یافته‌ای و از سینه ایمان شیر نوشیده‌ای و با اسلام تو را از شیر گرفته‌اند، پاک زیستی

و پاک رفتی؛ امّا دل‌های مؤمنان در فراق تو خوش نیست بی آنکه در این تردیدی رود که همه این‌ها به خیرِ تو بود. سلام و رضوان خدا بر تو باد! و گواهی می‌دهم که تو بر همان روشی رفتی که برادرت یحیی بن زکریّا رفت.

آنگاه جابر دیده خود را گِرد قبر چرخاند و گفت: سلام بر شما ای روح‌هایی که گرداگردِ حسین فرود آمده، همراهش شدید! گواهی می‌دهم که نماز را به پا داشتید و زکات دادید و به نیکی فرمان دادید و از زشتی باز داشتید و با مُلحدان جنگیدید و خدا را پرستیدید تا به شهادت رسیدید. سوگند به آن که محمّد را به حق برانگیخت در آنچه به آن در آمدید با شما شریک هستیم. این عبارات، عبارات مشهوری است که بعدا توسط امام صادق علیه‌السلام تکرار می‌شود. برای عطیه سؤال پیش آمد و پرسید چگونه [با آنان شریک باشیم]، با آن که ما نه به درّه‌ای فرود آمدیم و نه از کوهی بالا رفتیم و نه شمشیری زدیم، در حالی که اینان سرهایشان از پیکر جدا شد و فرزندانشان یتیم و زنانشان بیوه شدند؟!

جابر این‌گونه پاسخ داد: از حبیبم رسول الله شنیدم که فرمود: «هر کس گروهی را دوست داشته باشد، با آنان محشور می‌شود و هر کس کارِ کسانی را دوست داشته باشد، در کارشان شریک می‌شود» و سوگند به آن که محمّد را به حق به پیامبری بر انگیخت نیّت من و همراهانم همان است که حسین علیه‌السلام و یارانش بر آن رفته‌اند. یعنی ندای هل من ناصر ینصرني به‌عنوان یک ندای عمومی است و کسانی که نیت دارند به جهت حبی که به امام حسین علیه‌السلام دارند، به این ندا لبیک بگویند و در این ندا شرکت کنند، با یاوران و اصحاب امام حسین علیه‌السلام شریک می‌شوند.

ابراز محبت

متن زیارت اربعین را ببینیم که چه چیزهایی در آن خوانده شده و چه چیزهایی گفته شده، عبارت‌های ویژه‌ای دارد که هم اهداف قیام را بیان می‌کند و هم یک سری عبارت‌هایی محبت‌آمیز دارد؛ عبارت «بَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَة»؛ در همین زیارت اربعین است؛ این عبارات بیانگر این است که آن حضرت چه محبتی به ما داشته است، پس کسانی هم که به آن حضرت محبت دارند، باید این محبت را ابراز کنند.

بنده یک بحثی را در دانشگاه شریف مطرح کردم، تحت عنوان سیاست‌های اعلامی و سیاست‌های اعمالی؛ در آنجا عرض شد که انسان نباید فقط یک چیزهایی را اعمال کند بلکه یک سری از امور نیاز به اعلام دارند؛ آیات زیادی هم در قرآن وارد شده که با کلماتی نظیر قالوا ... قل .... قولوا و ... شروع شدند و دستور به اعلام می‌دهند و این بدین جهت است که انسان وقتی‌که چیزی را به زبان می‌آورد و تکرار می‌کند باعث تثبیت در نفس می‌گردد.

راه ارتباط با امام همین است؛ باید محبت ابراز و اعلام بشود و یک ارتباط محبت‌آمیز مثل محبت مادر به بچه و بچه به مادر برقرار شود، خصوصاً با امام حسین علیه‌السلام به‌عنوان یک سفره عمومی بشریت که این ارتباط باید مداوم باشد، نه این‌که مانند بعضی‌ها یک حالت دوری و دوستی دارند و ارتباط صمیمی با آن حضرت برقرار نمی‌کنند؛ چنین کسی که وارد این فضاها نمی‌شود و روز و هفته و ماه می‌گذرد و با امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و امام حسین علیه‌السلام حرف نمی‌زند و ارتباط برقرار نمی‌کند و ابراز محبت و مودت ندارد، بالاخره در مایه محبت کم می‌آورد؛ خب نمی‌شود که من مدعی شوم که قرآن را دوست دارم ولی آن را نمی‌خوانم، چنین شخصی اگر هم صادق باشد و واقعاً محبتی داشته باشد، یواش یواش این محبت از دل او بیرون می‌رود؛ زیرا شرط عشق و محبت، این است که ابراز شود و همین ابراز سبب تثبیت آن می‌شود، همینطور که در روایات نیز اینگونه وارد شده که اگر کسی را دوست دارید «فأعلمه» به او اعلام کنید؛ گفتن و خواندن زیارت عاشورا و گریه کردن را دست کم نگیرید؛ گریه کردن خصوصاً در جریان امام حسین علیه‌السلام یکی از مهم‌ترین عوامل ارتباطی است.

قتیل العبرات

ابراز و اعلام محبت یا به واسطه زیارت است و یا با گریه بر مصائب آن حضرت میسّر می‌شود که در زیارت اربعین هم آن حضرت را زیارت می‌کنیم و هم در فرازی از این زیارت می‌خوانیم که حضرت صادق علیه‌السلام خطاب به امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید: «اَلسَّلامُ علی اَسیرِالْکُرُباتِ وَقَتیلِ الْعَبَراتِ»؛ به معنای کسی که کشته اشک‌هاست؛ این کشته اشک بودن تعابیر و معانی مختلفی دارد؛ یک تعبیری که می‌توان از آن برداشت کرد و منطقی هم می‌باشد، این است که من کشته شدم تا اشک‌هایی ریخته شود و به واسطه همین اشک‌ها دستگیری گردد؛ لذا کسی نگوید اشک چه فایده‌ای دارد، همین که در مناجات با خدا نیز سفارش شده که همراه با اشک باشد و این‌که گفته می‌شود بکاء و گریه سبب ازدیاد خشوع در انسان می‌شود نشانگر این است که اشک اثر دارد و یکی از مهم‌ترین ابزار در برقراری ارتباط با خدا و ولی خدا به شمار می‌رود تا حدی که در روایات، اشک را معادل خون شهید برشمردند، پس نباید از اشک و تأثیر آن غافل شد؛ این‌که در روایات اینقدر زیاد

نسبت به گریه برای امام حسین علیه‌السلام توصیه شده، اشاره به این دارد که این عمل به‌عنوان یک راه میانبر در نظر گرفته شده؛ البته باید توجه داشت که در ارتباط با خدا و ولی خدا، اشک لازم است ولی کافی نیست، همچنین باید توجه داشت که فقط یک سری از مقدمات این عمل در اختیار ماست و اصل آن، توفیق است از ناحیه خداوند و قطعاً عواملی مانع از این می‌شود که این فیض در اختیار همگان قرار بگیرد؛ مثلا گفته‌اند کسی که گناه می‌کند قساوت قلب می‌گیرد و یا چشمی که صحنه‌های بد می‌بیند محروم می‌شود.

اشک برای خدا و امام، مؤید قرآنی نیز دارد چرا که یعقوب در فراق یوسف که امامش بود (با توجه به خوابی که حضرت یوسف دیده بود) آنقدر گریست تا این‌که چشم‌هایش سفید شد،[1] قطعاً کسی مثل یعقوب که مقام نبوت دارد مرتکب کار عبث و بیهوده نمی‌شود.

۱. یوسف، ۸۴.



زیارت نیابتی

مسأله زیارت امام حسین علیه‌السلام آنقدر اهمیت دارد که امام هادی علیه‌السلام وقتی مریض می‌شدند گاهی کسانی را اجیر می‌کردند و به کربلا می‌فرستادند تا آن‌ها برای ایشان در کربلا دعا کنند؛ ببینید امام معصوم وقتی می‌خواهد شفا بگیرد کسی را می‌فرستد تا در کربلا برایش دعا کنند؛ اگر نمی‌توانید خودتان به زیارت اربعین بروید، برای این که از ثواب و فیوضات زیارت اربعین محروم نشوید، یک راهش این است که نیت کنید و کس دیگری را تجهیز کنید و برای زیارت اربعین بفرستید و از آن بنده خدا بخواهید که برای شما و رفع حوایجان دعا کند؛ این از آن کارهای خیلی خیلی ویژه است.

لینک وب‌سایت زیارت نیابتی حرم امام حسین علیه‌السلام

عزیزان!
دهه‌های آینده دهه‌های شما است
و شمایید که باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید
و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که
ایجاد تمدّن نوین اسلامی
و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی(ارواحنافداه) است،
نزدیک کنید.

بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب
خطاب به جوانان

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است

۰۲۵ - ۷۵ ۳۸ ۱۴ ۱۱
۱۵۴۲ ۰۰۰ ۳
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org

که به دنبال ارتباط بیشتر
محبّان سیدالشهدا علیه‌السلام است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آیینه تولیدات
و فعّالیّت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...